

# تأملی و تفکری بر رشد

شماره ۲۱، اگوست ۲۰۰۸

## تلاش برای برقراری تعادل: یادگیری دربارهٔ تحکیم مؤثر

بیت‌العدل اعظم در پیام رضوان ۲۰۰۸ تأیید فرمودند که در سال گذشته "پیشرفت حاصله در فرایند دخول افواج حقیقتاً قابل ملاحظه بود." فعالیت‌های تبلیغ مستقیم که به این افزایش ناگهانی در رشد منجر شده نقطهٔ تمرکز سه نسخهٔ پیشین خبرنامه بوده است. اما، با این که موج تسجیلی‌های جدید هیجان‌انگیز بوده، شرح و بسط بیش از حدّ دربارهٔ امر ترویج بدون ملاحظهٔ مقتضیات امر تحکیم، نه میسر است و نه معقول؛ البته دو فرایند مزبور به نحو تفکیک‌ناپذیری به هم مربوطند.

بیت‌العدل اعظم در پیام رضوان ۲۰۰۷ فرمودند که، "پیشبرد توأمان گسترش امرالله و تحکیم مبانی آن ... رمز رشد مستمر و مداوم" است. آنچه که از این عبارت به وضوح استنباط می‌شود آن است که "پیشبرد توأمان" تلویحاً بدان دلالت دارد که از بدایت هر طرح تبلیغی باید به هر دو زمینهٔ حیاتی فعالیت مزبور پرداخت، نه آن که فقط بعد از آن که مرحلهٔ ترویج به انجام رسیده باشد امر تحکیم ملحوظ نظر واقع گردد. این به معنی شروع کار با برنامه‌ای جهت چرخه‌ای از فعالیت است که در آن منابع انسانی موجود به حساب آورده شده احتیای آمادۀ "اجرای فعالیت‌های خدماتی" را که "بتوانند به توسعهٔ امرالله در مقیاسی بزرگ و تحکیم اساس آن استمرار بخشند،" شناسایی نماید؛ این مهم در بعضی زمینه‌ها ممکن است به افزایش ده تا بیست نفر از مؤمنین جدید و در زمینه‌ای دیگر حتی به دویست نفر منجر شود.

"پیشبرد توأمان" دالّ بر این نکته نیز هست که ترویج و تحکیم متقابلاً یکدیگر را تقویت می‌کنند: تبلیغ مؤثر در امر تحکیم تأثیر دارد و از طریق فعالیت‌های تحکیم، امر تبلیغ استمرار می‌یابد. همانطور که انتظار می‌رود، احبّاء وقتی فعالیت‌های تبلیغی شان به اقبال نفوس جدید منجر می‌شود مشعوف و مسرور می‌شوند، اما وقتی این احتیای جدید خودشان به مبلغین فعال و خادمان امر الهی تبدیل می‌شوند، این وجد و شمع بیش از پیش افزایش می‌یابد. همانطور که حضرت ولی امرالله در مکتوبی که از قیل هیکل مبارک تحریر یافته توضیح می‌دهند:

ازدیاد جمعیت اهل بهاء به تنهایی کافی نیست. ما به افرادی نیاز داریم که ایمانشان بر صخره‌ای محکم و استوار قرار گرفته باشد که عواصف شدید امتحان و افتتان ادنی تزلزلی در آن ایجاد ننماید. ما به احتیائی نیاز داریم که به نوبهٔ خود قیام نمایند و پیام الهی را به سمع سایر نفوس برسانند و سبب هدايت آنها گردند. (ترجمه - انوار هدايت، شماره ۱۹۲۳)

در قلب امر مؤثر تحکیم، فرایند مؤسسهٔ آموزشی قرار دارد. تعدادی چشمگیری از مصدّقین جدید باید سلسله دروس را بگذرانند تا تعداد کافی از احبّاء برای اجرای فعالیت خدماتی مرتبط با هر درس تعلیم ببینند؛ چرا که وجود آنها برای ایجاد حیات پر شور و شوق جامعه ضروری است. به موازات برنامهٔ مؤسسهٔ آموزشی، یادگیری دربارهٔ نحوهٔ مساعدت جلسات دعا، ملاقات‌های خانگی، و سایر شیوه‌ها در تحکیم ایمان احتیای جدید که "بر صخره‌ای محکم و استوار واقف" گردند، حاصل می‌شود. نهایتاً، این فرایند مبتنی بر ارتباط هر چه

عمیق‌تر آنها با حضرت بهاء‌الله و آثار مبارک ایشان، و از این طریق، درک مقصود خداوند جهت نوع بشر در این برهه از تاریخ است.

این نسخه از خبرنامه به بررسی دشواری‌های پدید آمده و توفیقات حاصله در امر تحکیم در تعدادی از محدوده‌های جغرافیایی می‌پردازد. مباحث عمده عبارت از برنامه‌ریزی، پیگیری، فرایند مؤسسه، و ملاقات‌های خانگی برای تزیید معارف است.

xxxxxxxx

**برنامه‌ریزی از قبل:** برای حصول رابطه‌ای به هم پیوسته بین ترویج و تحکیم، احتیاء در تلاشند برنامه‌هایی برای مرحله ترویج با احتساب دقیق منابع انسانی آماده برای اجرای فعالیت‌های تحکیم، تنظیم نمایند. یادگیری از مثال‌هایی که ذیلاً ذکر می‌گردد مؤید آن است که اگرچه هر مرحله دارای نقطه تمرکز مخصوص به خود است، اما فرایندهای ترویج و تحکیم "باید به طور هم‌زمان پیش بروند." (ترجمه بیان بیت‌العدل؛ انوار هدایت، شماره ۲۰۱۲)

-----

نهادهای محدوده جغرافیایی در ---- که هنوز در مراحل اولیه یادگیری مواردی هستند که برای تأسیس برنامه فشرده رشد لازم است، قبل از تعیین اهداف تبلیغی خود، به دقت تحلیل نموده‌اند که چه تعداد جلسات دعا، کلاس‌های اطفال، و گروه‌های نوجوانان را می‌توان با منابع انسانی موجود دایر نمود. فعالیت تبلیغی متعاقب آن نه تنها در جذب بسیاری از نفوس جدید به امر مبارک موفقیت‌آمیز بود - در روز اول به تنهایی ۲۵ مصدق و تسجیل ۶۲ کودک صورت گرفت - بلکه به تأسیس تعداد کافی فعالیت‌های اساسی جهت تضمین استمرار رشد منجر شد. قبل از شروع فعالیت تبلیغی، احباً ترتیبی داده بودند که بلافاصله به ملاقات‌های خانگی جهت دیدار با احتیای جدید بپردازند، و کلاس‌های اطفال و گروه‌های نوجوانان را برای فرزندان آنها بدون تأخیر برقرار نمایند. این برنامه‌ریزی از قبل، که شامل دوره بازآموزی کتاب سوم مؤسسه روحی می‌شد، تضمین نمود که تا پایان روز دوم مرحله ترویج چهار کلاس اطفال برای سی تن از کودکان احتیای جدید دایر گردد.

-----

بعد از چندین چرخه رشد، یاران در محدوده جغرافیایی تاشکند یاد گرفتند که امر تحکیم را با استفاده از کتاب اول بلافاصله برای احتیای جدید و در طی امر ترویج برای متحرّیان شروع کنند. گزارش زیر نه تنها ارزش برنامه‌ریزی صحیح، بلکه تمرکز بر تبلیغ مؤثر و پیگیری منظم را منعکس می‌سازد:

همانگ‌کننده مؤسسه، با مساعدت عضو هیأت معاونت، ترتیبی داد که راهنمایان (تیوترها) در دفتر اداری طرح حضور داشته باشند تا در صورت نیاز به اداره حلقه مطالعه کتاب اول بپردازند. معمولاً در روزهای هشتم، نهم و دهم مرحله ترویج، دوره فشرده کتاب اول ارائه می‌شد. در اجرای اجزاء عملی طرح، راهنمایان با شرکت‌کنندگان جدید همراهی می‌کردند تا آنها را در اداره جلسات دعا برای دوستان و اعضاء خانواده‌شان مساعدت کنند؛ این فعالیت به اقبال و تسجیل نفوس بیشتر منجر شد.

ملاحظه این امر جالب بود اما حیرت‌آور نبود که آمادگی احتیای جدید جهت پیوستن به دوره‌های روحی و مشارکت فعال در امر تبلیغ ارتباط مستقیم با کیفیت امر تبلیغ داشت. طی طرح، وقتی پویایی روحانی امر تبلیغ برقرار بود، با پیروی دقیق از هدایت مذکور در کتاب ششم و تلاش برای ایجاد انسجام در شرایط داخلی و خارجی، شاهد نه تنها افزایش مقبلین و مسجّلین بلکه توفیق فوری در مساعی جهت

تحکیم ایمان مؤمنین جدید بودیم. کتاب اول در همان محلّ آغاز می‌شد و احتبای جدید ما را به سایر نفوس رهنمون می‌شدند، و راهنمایان در همراهی با دیگران قابلیت بیشتری را احساس می‌کردند. البته، اهمیت اساسی عبارت از محتوای پیامی بود که انتقال می‌یافت. احتباء "گفتگوی آنا" را با برداشت بهتری از سلسله مفاهیم، بیان می‌کردند و دعوت به پیوستن به جامعه بهائی و مشارکت در ایجاد مدنیتی جدید عبارت از پیامی توان‌بخش برای مبلغ و متحرّی به طور یکسان بود. مقبلین جدید کتاب اول را پیامد طبیعی چنین تعهدی می‌دانستند و جهت بررسی شرایط ضروری و یادگیری فعالیت‌های خدماتی که به متحوّل ساختن خود شخص و وارد شدن در تحوّل جامعه کمک کند، به طور جدّی و فعال مشارکت می‌نمودند. احباء خاطر نشان ساختند، "«گفتگوی آنا» عجب انسجامی با کتاب اول و با سایر دروس مؤسسه روحی دارد!" بعد از این نوع تبلیغ، حلقه‌های مطالعه نیز به حالت متفاوتی در آمدند. یکی از راهنمایان اظهار داشت: "صحبت کردن با شرکت کنندگان درباره امر تبلیغ از آغاز، بسیار آسان و طبیعی بود. همه بحث‌ها پیرامون تبلیغ امرالله بود. ما همیشه در این خصوص که چگونه این کار را بهتر انجام دهیم به مشورت می‌پرداختیم؛ و شرکت کنندگان مشتاق بودند کلیه کتابها را حتی المقدور سریع‌تر به پایان برسانند، قابلیت‌های خود برای خدمت را توسعه دهند و رسالت خاص خود در زندگی را ایفا نمایند. وقتی بعضی از شرکت کنندگان می‌گفتند برای تبلیغ به آن طریقی که آموزش دیده‌اند، احساس عدم قابلیت می‌کنند، مشکلات قد علم می‌کرد. بعد، مثالی در کتاب ششم را به ما یادآوری می‌کردند که حتی شمعی‌های کوچک نیز دارای روشنایی و گرما هستند."

تا پایان چرخه، این گروه متشکل از هفت جوان کتاب چهارم را به پایان رساندند. آنها در طرح تبلیغی بعدی شرکت کردند و در زمره فعال‌ترین و مشتاق‌ترین گروه‌های تبلیغی بودند.

**پیگیری سیستماتیک:** هنگام پیگیری با احتبای جدید یا متحرّیان بعد از طرح تبلیغی، غالباً رویکردی گرم و محبت‌آمیز و خصوصی در هدایت این نفوس در سفر روحانی که جدیداً یافته‌اند از هر امری مؤثرتر است و تدریجاً آنها را به حلقه‌های مطالعه و سایر فعالیت‌های اساسی سوق می‌دهد.

در طی مرحله ترویج، آحاد بهائیان مأمور می‌شدند هر یک از احتبای جدید، و نیز متحرّیانی را که به امر مبارک نزدیکند، همراهی کنند. این افراد که در ---- اصطلاحاً "مرجع"<sup>۱</sup> نامیده می‌شوند، با تعامل با مؤمن جدید، او را تقویت می‌کنند، پیوند دوستی برقرار می‌نمایند، ملاقات‌های خانگی و سایر فعالیت‌های تزیید معلوماتی را ترتیب می‌دهند و آنها را در فرایند مؤسسه وارد می‌سازد. این رویکرد، که مستلزم استقامت و استمرار در طی مراحل اولیه کار با مقبلین و متحرّیان است، در مورد ۷۳ درصد از ۱۰۴ احتبای تازه تسجیل، از نوامبر ۲۰۰۷ تا ژوئن ۲۰۰۸، سبب شده که در دوره‌های مؤسسه شرکت کنند. تجربه شخصی یکی از احتبای جدید در محدوده جغرافیایی ---- گواهی است بر اثربخشی امر تحکیم:

اولین تماس من بیش از سه ساعت طول کشید و تا کنون مهم‌ترین روز زندگی من بوده است. در طی آن سه ساعت [گفتگوی آنا]<sup>۱</sup>، مفاهیمی مانند میثاق ابدی، امر جهانی، شریعت واحد، و حیات و ابتلائات

<sup>۱</sup> Referent

حضرت بهاءالله را درک کردم. به شکرانه آنچه که آموختم توانستم قلبم را به سوی شمس حقیقت متوجه سازم و مظهر ظهور الهی، یعنی حضرت بهاءالله را بشناسم. در این جلسه اول کتابی را نیز شناختم که اولین مورد در سلسله دروس مؤسسه است. موقع مطالعه کتاب اول، به شرکت در اردوی نوجوانان نیز دعوت شدم که در همان زمان جریان داشت. زیستن چون سابق برایم دشوار شده است. دریافته‌ام که دعا از اهمیتی اساسی برخوردار است زیرا روح شخص را تغذیه می‌کند و به این وسیله ما مرتبه عبودیت خود نسبت به خداوند را نشان می‌دهیم. احساس می‌کردم با حفظ کردن و تلاوت هر روزه صلات صغیر، عنایات و برکات الهی را به سوی خود جذب می‌کنم. وقتی کتاب اول را به پایان رساندم، خواستم سایر کتابها را نیز مطالعه کنم و هر قدر ممکن است سریع‌تر به کتاب پنجم برسم تا بتوانم در ایجاد گروه نوجوانان کمک کنم، زیرا موارد بسیاری را در مورد تحوّل که این نوجوانان دستخوش آن شده بودند، دیده و احساس کرده بودم. جامعه بهائی و احتیاء در محدوده جغرافیایی من متحدند. در واقع، این جامعه از من به عنوان یکی از اعضاء خود استقبال کرد، گویی یکدیگر را همیشه می‌شناختیم؛ این حالت میل من به کار برای نقشه بزرگ خداوند را به مراتب فزونی بخشید.

احتیاء در محدوده جغرافیایی به این مطلب نیز پی برده‌اند که نفوسی که تازه در سلک مؤمنین به امر الهی وارد شده‌اند نه تنها نسبت به تحکیم سیستماتیک، عکس‌العمل خوبی نشان می‌دهند، بلکه از این که اوقات منظم و معینی برای ملاقات‌های تزئید معلوماتی برای آنها اختصاص یافته است، سپاسگزارند و میل دارند این ملاقات‌ها بیشتر شود و حتی روزانه صورت گیرد. این اشتیاق به یادگیری در میان احتیای جدید نشان می‌دهد که محبت به امر الهی و مشارکت در جریان نقشه پنجساله می‌تواند کمبود وقت و سایر محدودیت‌هایی را که گاهی اوقات وجودشان را مسلم فرض می‌کنیم، پشت سر گذارد.

**همراهی با احتیای جدید تا ورود به فرایند مؤسسه:** وارد نمودن احتیای جدید در فرایند مؤسسه به وضوح مجهودات تزئید معلومات و تحکیم احتیاء در محدوده جغرافیایی را به حداکثر رسانده از نظم و ترتیب برخوردار می‌سازد. این مقصود زمانی با سهولت بیشتر حاصل می‌گردد که مبلغین بهائی به مؤمنین جدید و متحرّیان کمک کنند که دریابند به عنوان بهائی قدم در طریق تحوّل روحانی و زندگی خدمتی می‌گذارند.

-----  
مجهودات تبلیغ مستقیم در محدوده جغرافیایی ---- در چند ماه گذشته به موفقیت چشمگیر منتج شده و تعداد مقبلین به طور متوسط از ۲۰ نفر طی یک سال به ۴۳ نفر در کمتر از نه ماه رسیده است. در حالی که بخشی از آن ناشی از تقویت روحانی یاران، اعضاء خانواده و همکاران بوده، اما قسمت عمده آن، یعنی ۳۲ نفر، نتیجه ابتکارات مستقیم و جمعی تبلیغی در محله‌های گوناگون بوده است. اعضاء گروه‌های تبلیغی در سه محله از چهار محله سکونت دارند. گزارشی که تجربه آنها در ترویج و تحکیم را تحلیل می‌کند بعضی از زمینه‌های مهم یادگیری را به طور برجسته نشان می‌دهد:

در حالی که اعتماد و توانایی تعداد فزاینده‌ای از احتیاء در امر تبلیغ و کمک به دیگران در حصول عرفان نسبت به حضرت بهاءالله ازدیاد یافته است، اما دشواری تزئید معلومات و تحکیم ایمان آنها به ثبوت رسیده است. ما متوجه شده‌ایم که کیفیت اولین مواجهه تبلیغی و گرفتن تماس جهت ابلاغ پیام امرالله تأثیری مهم بر توانایی ما جهت تحکیم دارد.

مشاهده کردیم که بعضی از نفوسی که تازه تسجیل شده‌اند، به رغم جواب مثبت به دعوت‌ها، غالباً یا اصلاً در فعالیت‌های اساسی شرکت نمی‌کنند. وقتی بعداً از علت سؤال می‌شود، دلایل آنها عموماً جدتی و اساسی نیست. با دوستانشان به سیر و گشت می‌پردازند یا در فعالیت‌هایی که همیشه داشته‌اند شرکت می‌کنند. مبلغین، در نگاهی به گذشته، متوجه شدند که مواجهه تبلیغی اولیه، به اندازه کافی سبب بالا رفتن آگاهی مؤمنین جدید نشده است. اکنون، احتیاء در امر تبلیغ سعی دارند دریابند که آیا متحرّیان متوجه هستند که آنها حقیقتی عمیق را دریافت می‌کنند؛ حقیقتی که بر زندگی روزمره آنها اثر می‌گذارد.

غیر از تجربه تبلیغ اولیه، اهمیت نه تنها دعوت بلکه مساعدت به کسانی که به امر مبارک اقبال می‌کنند برای شروع کتاب اول کاملاً آشکار گردید و هم‌اکنون در کلیه ابتکارات تبلیغی، تحکیم نقشی اساسی ایفا می‌کند. با مرور نتایج مجهودات تبلیغی در نه ماه گذشته، کاملاً واضح است که روی هم رفته کسانی که وارد دوره کتاب اول گردیدند، در فعالیت‌های امری داخل شدند و بسیاری از اینها قیام به خدمت کرده‌اند. کسانی که به مطالعه کتاب اول مشغول نشدند، و غالباً فقط به معرفی مقدماتی امر به آنها اکتفا شده، عموماً کنار کشیده‌اند. در تفکر بیشتر در این خصوص، یک عنصر مهم، که در کتاب اول به آن پرداخته شده، این است که مؤمنین جدید عادت به مطالعه مرتب آثار مبارکه را در خود به وجود آورند و به میزان معینی تأمل و تفکر را با آن همراه سازند و آگاه باشند که باید در صدد درک این نکته برآیند که کلام الهی چگونه بر زندگی روزانه آنها تأثیر گذاشته آنها را متحوّل می‌سازد. (این جملات معنی ندارند و باید آن را اصلاح کرد) صرف نظر از این که آیا مؤمنین جدید کتاب اول را شروع می‌کنند یا خیر، توجه به عنصر روحانی از سوی مبلغ حائز اهمیت است.

-----  
گزارشی از محدوده جغرافیایی ---- گویای معضلاتی است که مبلغین بهائی با آن مواجه شده‌اند - یعنی عدم تمایل اولیه بعضی از مؤمنین جدید از پیوستن به دوره‌های مؤسسه یا سایر فعالیت‌ها. این مسأله زمانی حل شد که مبلغین بهائی هدف واقعی دوره‌ها را، که حصول آمادگی برای خدمت به جامعه و نوع بشر است، توضیح دادند.

یک مرد جوان ۲۳ ساله: زنگ خانه را زدیم. در را باز کرد، اما به نظر نمی‌آمد از دیدن ما خیلی به هیجان آمده باشد. او قبلاً اولین زمینه تزئید معلوماتی‌اش را دریافت کرده بود و به نحو مشهودی برای وصول زمینه دوم اشتیاقی نشان نداد. با خودم فکر کردم که مضامین تزئید معلوماتی به نظر نمی‌آید قرص بدمزه‌ای باشد که فرد جدیدالایمان مجبور باشد بعد از بهائی شدن ببلعد.

به او گفتم ما به جوانی مانند او نیاز داریم که به نسل جوان‌تر کمک کند تا به جای مشغول کردن خود به مواد مخدر یا گروه‌های شرور، انتخاب صحیح انجام دهند و به بهتر شدن جهان کمک کنند. نوری در صورتش درخشید و مطلبی شخصی را بیان کرد. او گفت، "من در دار و دسته افراد شرور بودم و بعد از این که دیدم دو تن از دوستانم به علت اینگونه درگیری‌ها جان خود را از دست دادند، از این گروه‌ها خارج شدم." بعد از اندکی سکوت، با لحنی جدی [با اشاره به مشوق نوجوانان شدن]، گفت، "واقعاً مایلم در این زمینه کمک کنم." برنامه‌های زمانی برای ملاقات و بحث در خصوص تعلیمات لازم جهت اشتغال به عنوان مشوق نوجوانان و ارائه زمینه دوم تزئید معلوماتی تنظیم کردیم.

یک زن جوان ۲۳ ساله: زنگ در را زدیم و از پنجره باز اطلاق خوابش با ما صحبت کرد. هنوز هیچ زمینه‌ی تزئید معلوماتی برای او برقرار نشده بود. کودکان در مجموعه‌ی آپارتمانی این زن جوان او را به عنوان نوعی "خواهر بزرگتر" خوب می‌شناسند. اولین مطلبی که به او گفتیم این بود که کلاس کودکان روز شنبه آینده در محله‌ی او تشکیل می‌شود. او بلافاصله از پنجره اطلاق خوابش کودکان را صدا زد به طوری که ما توانستیم درباره‌ی کلاس برای آنها صحبت کنیم. موقعی که درباره‌ی کلاس برای بچه‌ها صحبت می‌کردیم، این فرد جدیدالایمان به نظر آمد که با مباحثات لبخند می‌زند. در چند مورد وارد صحبت شد تا کودکان را به حضور در کلاس تشویق کند. همچنین پذیرفت برگه‌هایی را درباره‌ی کلاس در محله‌ی خود پخش کند. ابتدا موافقت کرد که هفته بعد ملاقاتی با ما داشته باشد که مطالب بیشتری درباره‌ی امر الهی بداند اما بعداً گفت، "من روز شنبه می‌آیم که در کلاس کودکان به شما کمک کنم." ما به طور خلاصه در این خصوص که او مشوق نوجوانان شود با او صحبت کردیم. چهره‌اش درخشید و گفت، "من به عنوان مددکار اجتماعی کار کرده‌ام و مشاور جوانان بزرگسال هم بوده‌ام. مایلیم در این خصوص بیشتر بدانم."

نهادهای محدوده‌ی جغرافیایی در محدوده‌ی ----- احساس کردند که برای بعضی از احتیای جدید نظریه‌ی "گذراندن دوره" چندان خوشایند نیست. از طریق آزمون و خطا، رویکردهایی اندیشیده شد که اضطراب احتیای جدید در مورد "مطالعه" و شرکت کردن در فرایند مؤسسه را کاهش داد.

ابتدا به سادگی احتیای جدید را برای پیوستن به حلقه‌ی مطالعه دعوت می‌کردیم، اما متوجه شدیم این شیوه نیاز به تعدیل دارد. بسیاری از آنها از تحصیلات مقدماتی برخوردار بودند و ایده‌ی مطالعه و تحصیل آنها را می‌ترسند. دریافتیم که برای ایجاد علاقه ابتدا باید آنها را بشناسیم، و سپس موقع هدایت گفتگو به مواضع روحانی (یکی از مهارت‌های کتاب دوم)، نسخه‌ای از دو صفحه اول کتاب یکم را در دست داشته باشیم و بپرسیم، "می‌توانم این پاراگراف را برای شما بخوانم؟" با ملاقات‌های بعدی احتیای جدید به طور طبیعی به حلقه‌ی مطالعه منتقل می‌شدند. این حلقه‌های مطالعه کوچکند و تنها یک فرد جدیدالایمان و اعضای خانواده و یا دوستان نزدیکش در آن حضور دارند.

**ملاقات‌های خانگی برای تزئید معلومات:** یکی از روش‌های تأیید شده برای تحکیم عبارت از ملاقات مؤمنین جدید و عرضه‌ی درس‌های تزئید معلوماتی در خانه‌های آنها است. وقتی تعداد تسجیلی‌ها زیاد باشد، این شیوه مستلزم وجود تعداد مطلوبی احتیای متعهد جهت مبادرت به ملاقات‌های منظم و مکرر خانگی است. علاوه بر ایجاد پیوندهای محبت و دوستی، یکی از اهداف، عبارت از جذب تعداد چشمگیری از این مؤمنین جدید به دوره‌های مؤسسه است.

گزارش‌های زیر از کشورهای از سه قاره، آنچه را که از مجهودات احتیاء در اجرای برنامه‌ی ملاقات خانوادگی با استفاده از مضامین کتاب دوم فرا گرفته شده، بیان می‌کنند.

-----

جامعه‌ی بهائی پنج جزوه تهیه کرده است که هر یک از آنها یکی از مفاهیم تزئید معلوماتی مطرح شده در کتاب دوم را بیان و بیانات مبارکه‌ی مرتبط با موضوع را نقل می‌کند. هر یک از آنها تصاویر زیبایی دارد که به مبلغ کمک می‌کند مفاهیم روحانی را توضیح دهد. مبلغین غالباً از فرد جدیدالایمان یا متحرّی حقیقت می‌خواهند بخش‌هایی از جزوه را با صدای بلند بخواند و سپس با هم به بررسی معنای آن بخش می‌پردازند.

قبل از آن که این وسایل کمکی موجود باشد، مبلغین غالباً عناصر مهمّ مفاهیم را در حین بیان مطالب فراموش می‌کردند یا نمی‌توانستند آنها را به شیوه‌ای منطقی و روان مطرح کنند. سایر اعضاء خانواده غالباً در طیّ بیان مطلب به جمع می‌پیوندند. مبلغ جزوه را نزد افراد جدیدالایمان می‌گذارد تا بتوانند آن را بیشتر مورد مطالعه قرار دهند.

-----  
یکی از مبلغین در ----- با زوجی بهائی که تازه به امر مبارک اقبال کرده بودند با هدف بیان مفهوم میثاق ابدی برای آنها ملاقات کرد. در طیّ این ملاقات اولیه، صلات صغیر را نیز مرور کرد، اطلاعات کلیّ درباره امرالله را مورد بحث قرار داد، آنها را به شرکت در حلقه مطالعه تشویق نمود و یک رشته ملاقات‌های خانگی بعدی را تنظیم کرد. احتیاء در جزایر ویرجین دریافتند که ملاقات‌های خانگی برای تحکیم کسانی که دارای برنامه‌های کاری فشرده هستند که آنها را از شرکت در جلسات مرتبّ جامعه باز می‌دارد، فوق‌العاده مفید است. طیّ دوره تحکیم در اجرای فعالیت‌های مان درس‌های زیادی فرا گرفته‌ایم. به اهمیت بردباری، انعطاف‌پذیری و آمادگی برای جستجوی راه‌های جدید جهت تأمین نیازهای متحرّیان و بهائیان جدید پی برده‌ایم. مهم‌تر از همه، یاد می‌گیریم جهت کمک به حلّ مشکلات در اقدام مستمر به مرور زمان، در اجرای فعالیت‌های اساسی، و در توسعه پایگاه مبلغین فعال امرالله به دعا و قوه تأییدات الهی متکی باشیم.

-----  
احتیاء در محدوده جغرافیایی ----- نیز از جزوات مالزی با مفاهیمی از کتاب دو به عنوان قدم اول در تحکیم احتیای جدید استفاده کرده‌اند. ملاقات‌های خانگی با نهادهای محدوده که همکاری نزدیک با گروه‌های تبلیغی دارند، دقیقاً هماهنگ می‌شود. قدم دوم بعد از ملاقات‌های خانگی برای مؤمنین جدید یا متحرّیان، هر زمان که میسر باشد، پیوستن به حلقه مطالعه کتاب اول است. اما، ملاقات‌های خانگی وقتی فرد جدیدالایمان وارد حلقه مطالعه می‌شود، ضرورتاً متوقف نمی‌گردد. به کارگیری این روش، تا کنون سبب شده که تمام مؤمنین جدید در محدوده، به حلقه‌های مطالعه پیوسته‌اند. توفیق این شیوه سیستماتیک سبب افزایش اعتماد اعضاء لجنة تبلیغ منطقه‌ای و هماهنگ‌کننده‌های مؤسسه به استعداد بالقوه برای رشد در مقیاس بزرگ در محدوده شده است. یکی از اعضاء نهادهای محدوده جغرافیایی اظهار نظر کرد که:

اگرچه ابتدا هماهنگی پیشرفت این مجموعه عظیم مقبلین و متحرّیان در سلسله دروس مؤسسه وظیفه‌ای دلهره‌آور به نظر می‌آمد، اما به توانایی خود برای غلبه بر این معضل پرهیجان اطمینان داریم. اعتماد به نفس ما ناشی از اطلاع بر این مطلب است که ما دارای ذخیره عظیمی از منابع انسانی هستیم که در طول سالها برای به عهده گرفتن امر دشوار تحکیم این متحرّیان و مقبلین تعلیم دیده‌اند. ناگهان، همه چیز مفهوم پیدا می‌کند. اکنون ما واقعاً دلیل فرایند مؤسسه را درک می‌کنیم.

-----  
تحت توجهات دارالتبلیغ بین‌المللی جهت مؤسسه مشاورین تهیه شد. . گزیده‌هایی از گزارش‌ها را می‌توان از لحاظ دستور زبان، وضوح، یا طولانی بودن مورد ویرایش قرار داد. تمام یا بخشی از این نشریه را می‌توان بدون اخذ اجازه از دارالتبلیغ بین‌المللی، تکثیر یا در جامعه بهائی توزیع نمود